



رئیس اداره سیاسی سپاه در گفت‌وگو با صبح صادق

با هوشیاری مردم، هر حرکتی برای انقلاب مخملی در نطفه خفه خواهد شد

اشاره: در روزهای گذشته، موضوع برنامه‌ریزی یک جریان افراطی برای اجرای سناریوی انقلاب مخملی در ایران با توجه به انتخاب ریاست جمهوری دوره دهم مورد توجه برخی از رسانه‌ها قرار گرفت و در این راستا اخبار و تحلیل‌های قابل ملاحظه‌ای انتشار یافت. با توجه به اهمیت موضوع، هفته‌نامه صبح صادق در گفت‌وگویی با سردار دکتر جوانی رئیس اداره سیاسی سپاه این مسئله را مورد بررسی قرار داد که در پی می‌آید.

* این روزها برخی از رسانه‌های خبری و گروه‌های سیاسی با استناد به یکسری از شواهد و قرائن، از برنامه‌ریزی برخی از جریان‌های افراطی جهت اجرای سناریوی انقلاب مخملی در ایران خبر می‌دهند، بفرمایید این انقلاب مخملی یا رنگارنگ به چه معنی است؟
– در سال‌های گذشته برخی از تحولات سیاسی و جابه‌جایی قدرت میان گروه‌های سیاسی با عقاید و دیدگاه‌های متفاوت در کشورهای چون گرجستان با استفاده از حرکت توده‌ای و با استفاده از یک رنگ خاص انجام گرفت و تکرار این موضوع در چند کشور، سبب گردید از این نوع جابه‌جایی قدرت با عنوان «انقلاب‌های مخملین» در ادبیات سیاسی یاد شود و کم‌کم این اصطلاح در ادبیات سیاسی نهادینه گردید. به عنوان مثال مخالفین دولت گرجستان در سال ۲۰۰۳ میلادی با استفاده از «رنگ سرخ» هواداران خود را به خیابان‌ها آورده و در اعتراض به انتخابات و نتیجه آن حکومت را منتهم به تقلب در انتخابات کرده و آنچنان فضاسازی و بحران‌سازی کردند تا در نهایت دولت مجبور به عقب‌نشینی گردید و مخالفین قدرت سیاسی را به دست گرفتند.
به همین سبک مخالفین دولت اکراین در سال ۲۰۰۴میلادی با «انقلاب نارنجی» و مخالفین دولت قرقیزستان با «انقلاب لاله» در سال ۲۰۰۵ به قدرت رسیدند. بنابراین اصطلاح‌هایی چون انقلاب مخملی یا انقلاب رنگی برای این نوع تحولات سیاسی با تأکید بر جابه‌جایی قدرت بین مخالفین یک دولت و حکومت با کسانی که در قدرت هستند اطلاق می‌شود. در واقع در این نوع به اصطلاح انقلاب‌ها، یک نوع براندازی از طریق بحران‌سازی از سوی مخالفین انجام می‌شود. گروه‌های سیاسی مخالف با ایجاد هیجان و با سوار شدن بر امواج احساسات هواداران خود که از یک رنگ مشخص استفاده می‌کنند، در جامعه، یک موجی را ایجاد می‌کنند و با فضاسازی رسانه‌ای نیروهای بی تفاوت را نیز همراه کرده و دولت حاکم را مجبور به عقب‌نشینی و تسلیم می‌کنند.

* آیا بین انقلاب‌های مخملین که اشاره کردید، غیر از تشابه در استفاده از مخالفین از رنگ، وجوه مشترک دیگری وجود دارد؟

– بله، در عموم براندازی‌هایی که تحت عنوان انقلاب مخملی در دهه گذشته رخ داد، موارد مشترک دیگری هم می‌توان یافت. یکی از موارد مشترک به ماهیت نیروهای اپوزیسیون و مخالفین دولت حاکم بر می‌گردد. در تمامی موارد دولت‌های حاکم غیر همسو با غروب و دارای گرایش‌های ملی و بعضاً همسو با روسیه بوده و در عوض جریان‌های مخالف، گرایش به غرب داشته‌اند. از دیگر موارد مشترک، نگاه غربی‌ها اعم از آمریکا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا به این نوع انقلاب‌ها می‌باشد. در تمام این تحولات سیاسی و جابه‌جایی‌های قدرت از طریق کشاندن مخالفین به خیابان‌ها و بحران‌سازی‌ها، غرب به دلیل عدم همسویی دولت‌های حاکم با آنها، از جریان مخالف حمایت کرده و با حمایت‌های گسترده سیاسی، تبلیغاتی و انجام عملیات روانی علیه دولت و حامیانش و به نفع مخالفین، فضای سنگینی را در آن شرایط به ضرر دولت شکل داده است. در واقع غرب در این نوع انقلاب‌های انجام شده، با تمام توان از پروژه براندازی حمایت کرده و مخالفین را به قدرت رسانده است. نقش سازمان سیا در این انقلاب‌های مخملی بسیار برجسته است. یک بنیاد سیاسی با عنوان «خانه آزادی» وابسته به سازمان سیا نقش برجسته‌ای برای هدایت و تأثیرگذاری بر تحولات کشورهای مورد اشاره برعهده داشت. آمریکایی‌ها معتقدند انقلاب‌های مخملی، از بهترین راهبردها برای تغییر و سرنگونی دولت‌های مستقل، ملی و غیر همسو با آمریکا در کشورهای هدف می‌باشد. آنها معتقدن این نوع براندازی‌ها بسیار کم‌هزینه بوده و به دلیل اینکه به شیوه دمکراتیک و با حضور مردم در خیابان‌ها انجام می‌شود، از نوع مشروعیّت نیز برخوردار است.

* آیا در ایران گروه‌هایی هستند که بخواهند از این شیوه برای به قدرت رسیدن استفاده کنند؟
– بله، هستند.

* اگر ممکن است در این مورد توضیحات بیشتری بدهید.

– انقلاب اسلامی از بدو پیروزی تانکون، یعنی طی سی سال گذشته با دو جریان مخالفت روبه‌رو بوده است. یک جریان دشمنان خارجی که در رأس آنها آمریکا و صهیونیزم بین‌الملل و برخی از کشورهای اروپایی مانند انگلیس این پیر استعمار قرار دارند و جریان دیگر، گروه‌های سیاسی داخلی از طیف‌های مختلف که بعضی از آنها از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار

نظام مقدس جمهوری اسلامی در ایران، وارد جنگ مسلحانه علیه نظام شدند و بعضی‌هم به طرق دیگر با نظام مبارزه کردند. تمامی گروه‌های سیاسی غیر معتقد با نظام اسلامی، هر کدام به نوعی طی سه دهه اخیر مورد حمایت و پشتیبانی‌های غرب و دشمنان خارجی بوده‌اند. از سال ۷۶به بعد و با توجه به شکست‌ها و ناکامی‌های دشمنان در برخورد سخت به جمهوری اسلامی، پروژه براندازی خاموش در ایران کلید خورد. از سال ۵۷ تا سال ۷۶ آمریکایی‌ها، صهیونیست، برخی از دول اروپایی و بعضاً کشورهای مرتجع متفقّه، در یک همسویی کامل به دنبال براندازی نظام جمهوری اسلامی و شکست دادن انقلاب اسلامی با استفاده از شیوه‌های غیر دمکراتیک، مانند تجزیه ایران با ایجاد غائله‌های جدایی طلبی در مناطق قومیتی مثل کردستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان، طراحی کودتاهایی مانند کودتای نوزده و کودتای قلب‌زاده و شریعتمداری، مداخله نظامی مستقیم مانند حادثه طیس، تحمیل جنگ هشت ساله با استفاده از مزدوری در منطقه به نام صدام معدوم و راه‌اندازی جریان تروریسم داخلی مانند گروهک منافقین با هدف حذف فیزیکی رهبران انقلاب از صحنه بودند. تمامی این توطئه‌ها شکست خورد و به همین دلیل بعد از جنگ آنان تهاجم فرهنگی و به تعبیر مقام معظم رهبری شیخون فرهنگی را شروع کردند تا زمینه‌ها و بسترهای لازم برای براندازی خاموش یا براندازی نرم در ایران با استفاده از شیوه‌ها و روش‌های به ظاهر دمکراتیک فراهم گردد. این پروژه از سال ۱۳۷۶ در ایران کلید خورد و از آن مقطع تاکنون در چند نوبت تلاش شد تا سناریوهایی با الگوبری از همین شیوه‌ها اجرا شود که تاکنون نتیجه نداده است.

* چه احزاب و گروه‌هایی در ایران به دنبال این نوع براندازی هستند؟

– آتهایی که نظام سیاسی با ماهیت دینی و با محوریت ولایت مطلقه فقیه را قبول ندارند. البته برخی از این احزاب و گروه‌ها دارای سوابق اسلامی و انقلابی بوده و حتی بعضی از چهره‌های اصلی آنها در گذشته در نظام جمهوری اسلامی دارای مسئولیت هم بوده‌اند، لکن با گذر زمان به دلایل مختلف از مسیر اصلی انقلاب و اسلام ناب محمدی (ص) فاصله گرفتند و اکنون مواضع و دیدگاه‌هایی متفاوت از قبل دارند. البته این امر در همه انقلاب‌ها وجود داشته و با توجه به ماهیت انسان طبیعی به نظر می‌رسد. از این موضوع، با عنوان ریزش نیروهای انقلاب یاد می‌شود. یعنی هر انقلابی از نظر نیروی انسانی، ریزش‌ها و رویش‌هایی دارد.

* به طور مشخص می‌توان در پروژه براندازی خاموش و براندازی نرم از افراد یا گروه‌هایی نام برد؟
– اگر به حوادث سال‌های اخیر بنگریم، به خوبی احزاب و گروه‌هایی که وارد این پروژه شدند و سناریوهایی را طراحی کردند قابل شناسایی هستند. آقایی که راهبرد فتح سنگر به سنگر قدرت را بعد از دوم خرداد ۷۶ در چارچوب نظریه «فشار از پایین و چانه‌زنی در بالا» مطرح ساخت، را می‌توان به عنوان یکی از نظریه‌پردازان اصلی برای پروژه انقلاب مخملی یا براندازی نرم در ایران نام برد. وقتی این قبیل افراد که در انقلاب و نظام سابقه داشتند وارد این فاز شدند، گروه‌های سیاسی مخالفت دیگر نیز مانند ملی به عنوان نمونه نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با اشاره به حوادث تهران اعلام کرده به زودی تحولاتی در ایران رخ می‌دهد که روابط تل آویو با تهران مانند قیل از انقلاب اسلامی خواهد شد. بست‌نشینی و تحصن در مجلس ششم از سوی نمایندگان افراطی دوم خرداد نیز با همین هدف انجام شد که به نتیجه نرسید.

مذهبی‌ها و نهضت آزادی‌ها هم به آنها پیوستند و طیفی از

نیروهای سیاسی مخالفت نظام با مواضع و گرایش‌های

بعضاً متفاوت و متضاد با هم همراه شدند.

* کدام حوادث و رخداد‌های سیاسی در سال‌های گذشته را می‌توان در راستای پیاده‌سازی و اجرای سناریوی انقلاب مخملی در ایران دانست؟
– در حادثه کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۷۸ و بست‌نشینی نمایندگان مجلس ششم در ماه‌های پایانی این مجلس، دقیقاً در راستای سناریوهای براندازی خاموش و ایجاد یک انقلاب مخملی در ایران است که از سوی افراطی‌های جبهه دوم خرداد طراحی‌شده بود. در حادثه ۱۸ تیر،

دست‌اندرکاران اصلی پشت صحنه، تلاش‌های زیادی انجام دادند تا عده‌ای از هواداران و سپس بخشی از مردم را به صحنه و خیابان‌ها کشانده و علیه حاکمیت به حرکت درآورند. اقدامات زیادی به عمل آوردند تا با ایجاد هیجان و یک فضای احساسی و با تحریک عواطف مردم و به ویژه جوانان، عده‌ای را به خیابان‌ها بکشند و با پشتوانه موجه جمعیت مطالباتی را از نظام درخواست نمایند. یعنی دقیقاًدنبال پیاده‌سازی نظریه فشار از پایین و چانه‌زنی در بالا برای تأمین خواسته‌ها بودند. اقدامات آنها گسترده بود، از گرفتن پیام از مرجعی در قم برای شهدای خنالی و



نداشته‌ی حادثه کوی دانشگاه، تا سیاه‌پوش کردن برخی از دانشگاه‌ها و نصب پارچه‌ها و دست‌نوشته‌هایی که اسامی افرادی را به عنوان شهید معرفی کرده بودند و همچنین

* اگر ممکن است یکی از این نشانه‌ها را شفاف بیان کنید.

فراخوان عمومی از هواداران برای استفاده از رنگ سبز به صورت روسری، مانتو، کلاه، مچ بند، شال، تی شرت و گره زدن نوار سبز به آنتن و برف پاکن خودروها، اهدافی فراتر از ایجاد یک شور و نشاط انتخاباتی در جامعه و بین هواداران را دنبال می‌کند

– بعد از انتخابات مجلس هفتم و شکست سنگین اصلاح طلبان در تهران و اکثر حوزه‌های انتخابیه، یکی از روزنامه‌های زنجیره‌ای دوم خردادی (روزنامه ارگان جبهه موزات این تحرکات در داخل، در آن حادثه، شاهد فعالیت گسترده رسانه‌های غربی و صهیونیستی به نفع آشوب‌طلبان و اغتشاش‌گران بودیم. عملیات روانی سنگینی در آن روزها علیه نظام اسلامی و به نفع افراطیون از سوی غربی‌ها انجام شد و براساس اسناد موجود برخی از گردانندگان اصلی غائله ۱۸تیر در ارتباط مستقیم و مستمر برای انجام کارهای خود از خارج دستور می‌گرفتند. برخی از دولت‌مردان غربی و صهیونیستی حتی نسبت به این حادثه اعلام موضع کردند.

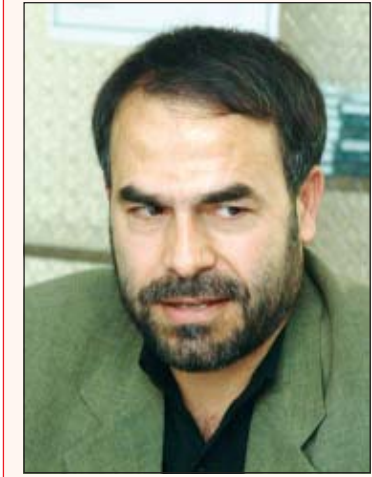
به عنوان نمونه نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی با اشاره به حوادث تهران اعلام کرده به زودی تحولاتی در ایران رخ می‌دهد که روابط تل آویو با تهران مانند قیل از انقلاب اسلامی خواهد شد. بست‌نشینی و تحصن در مجلس ششم از سوی نمایندگان افراطی دوم خرداد نیز با همین هدف انجام شد که به نتیجه نرسید.

* بین تحصن در مجلس ششم باحادثه کوی دانشگاه به لحاظ شکلی خیلی تفاوت وجود دارد، چه نشانه‌ای وجود دارد که این تحصن را در راستای یک انقلاب مخملی توجیه نماید؟

درست است. ظاهر امر نشان می‌دهد که عده‌ای از نمایندگان مجلس ششم برای اعتراض به رد صلاحیت‌ها از سوی شورای نگهبان دست به تحصن زدند. این نمایندگان

چند بیائیه صادر کردند، مصاحبه کردند و رسانه‌های داخلی و خارجی هم به بازتاب این موضوع و حواشی آن پرداختند و بعضی از محافل، گردهمایی سیاسی داخلی و حتی خارجی مثل اتحادیه اروپا، پارلمان آلمان، بوش، رئیس جمهور آمریکا و حتی کنگره آمریکا، هر کدام به نوعی

– بعد از شکست دوم خردادی‌ها در انتخابات مجلس



هفتم و انتخابات نهم ریاست جمهوری، شاهد بودیم که افرادی چون آقای حجاریان، همچنان بر نظریه خود، مبنی بر «فشار از پایین و چانه‌زنی در بالا» اصرار ورزیدند. ایشان در آستانه انتخابات مجلس هشتم در مصاحبه‌ای با مطبوعات با صراحت می‌گوید، من همچنان اعتقاد دارم تنها راه پیروزی اصلاحات، «جنبش اجتماعی» می‌باشد. این عبارت از نظر سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی دارای مفهوم خاص خود می‌باشد. شواهد و قرائن زیادی وجود دارد که برای انتخابات دهم ریاست جمهوری، برخی از گروه‌های افراطی، پروژه انقلاب رنگی را طراحی و در حال اجرای آن می‌باشند. تفاوت این سناریو با سناریوهای قبلی مثل ۱۸ تیر سال ۷۸ و غائله تحصن در مجلس ششم

در این است که این بار به دلایل مشخص و قابل توجیه به یک رنگ خاص نیز رسیده‌اند و تلاش می‌کنند آن را در سطح جامعه با بهانه انتخابات فراگیر نمایند. البته این در حالی است که شاید حتی خود کاندیدای مورد نظر این آقایان از عمق فتنه آگاهی نداشته باشد و به طور قطع انبوهی از علاقه‌مندان و هواداران ایشان هم بی‌اطلاع از چنین سناریوهایی باشند که در اتاق فکر بخش افراطی دوم خرداد طراحی شده است. کسانی که موضوع کلید خوردن پروژه انقلاب رنگی یا انقلاب مخملی را مطرح می‌سازند، دلایلی برای این گمانه و تحلیل خود دارند که مهمترین آنها عبارت است از:

۱- برخی از گروه‌های دوم خردادی و به ویژه افراطی‌های آنها، معتقدند که باید به هر نحو که شده در انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم پیروز شوند و به قدرت برگردند. این گروه‌ها بر این باورند که اگر در این انتخابات به قدرت نبرگردند، ممکن است برای یک دوره طولانی به حاشیه رانده شوند و اساساً دیگر امکان بازگشت آنان به قدرت فراهم نگردد. براساس چنین تحلیلی می‌گویند هدف وسیله را توجیه می‌کند و باید از هر شیوه و روشی باید استفاده کنیم تا این اتفاق بیفتند. حجم وسیع تخریب‌ها، سیاه‌نمایی‌ها و طرح مسائلی که با حق و انصاف سازگاری ندارد در همین راستا قابل ارزیابی است.

۲- از چندین ماه قبل به صورت حساب شده، موضوع صیانت از آرا و ضرورت تضمین سلامت انتخابات از تریبون‌های مختلف مطرح گردید. این موضوع در آستانه انتخابات دهم ریاست جمهوری در حالی طرح می‌شود که طی سی سال گذشته تمامی انتخابات ایران آزاد و سالم برگزار شده و نظام اسلامی همواره امانت‌دار رأی مردم بوده است. نظارت بر انتخابات در ایران برعهده شورای نگهبان است و امکان ندارد با سازوکارهای قوی شورای نگهبان در امر نظارت بر انتخابات، مجریان بتوانند در انتخابات تخلف یا تقلب انجام دهند. بنابراین وقتی موضوع سلامت انتخابات و تضمین رأی مردم را عده‌ای مطرح ساختند و آن را تکرار کردند، خود این مسئله حکایت از یک سناریو و نقشه قابل توجهی در این مصاحبه بیان می‌شود و به راحتی برخی از این نکات پرده از برخی از سناریوها برمی‌دارد.

خبرنگار مصاحبه‌کننده از ایشان سوال می‌کند که چرا اصلاح طلبان شکست خوردند؟ آقای حجاریان که قبلاً نظریه‌های «جنبش اجتماعی» و «فشار از پایین و چانه‌زنی در بالا» را مطرح کرده بود، در پاسخ می‌گوید اصلاح طلبان به این دلیل شکست خوردند که هواداران آنها اهل آمدن به صحنه و هزینه کردن کف خیابان‌ها نیستند. وی منظور خودش را اینگونه شفاف بیان داشته و می‌گوید، آن روزی که صد نماینده مجلس ششم تحصن کردند، اگر یک میلیون از طرفداران جبهه اصلاحات به خیابان‌ها می‌آمدند و اطراف مجلس تحصن می‌کردند، ارتش اعلام بی طرفی می‌کرد و سپاه و بسیج هم جرأت تیراندازی به سمت یک میلیون نفر را نمی‌کرد و در این صورت



می‌تواند نمایندگانی را برای نظارت بر فرایند انتخابات داشته باشد و این موضوع در انتخابات قبلی هم وجود داشته، لکن تشکیل کمیته صیانت از آرا از سوی دو کاندیدای اصلاح‌طلب و تشکیل جلسات و آموزش دادن به نیروها و اختصاص پول کلان برای فعالیت این کمیته، حکایت از برنامه‌های خاص دارد.

۳- برخی از گروه‌ها، افراد و روزنامه‌های دوم خردادی، با صراحت این طور مطرح می‌سازند که اگر انتخابات سالم برگزار گردد ما پیروز هستیم و کاندیدای ما رأی می‌آورد. این نوع تبلیغات و فضاسازی در حالی انجام می‌شود که تمام نظرسنجی‌های انجام شده از فاصله قابل توجه کاندیدای مورد نظر با کاندیدای جبهه رقیب دارد.

اصرار بر این موضوع و تیتیر کردن آن در روزنامه برای چیست؟ حتی بعضی از این گروه‌ها درخواست مجوز برای اجتماعی در محل‌های خاص برای برگزاری جشن پیروزی در انتخابات کرده‌اند! بدیهی است که این نوع تبلیغات برای ایجاد یک فضای ذهنی و روحی، روانی در جامعه و به ویژه در هواداران است که اگر رأی نیاورند، با توجه به موضوع ضرورت تضمین آرا و تشکیل کمیته صیانت از آرا که مطرح شد، بتوانند به راحتی سلامت انتخابات را زیر سوال ببرند. ۴- استفاده از یک رنگ خاص برای اولین بار در انتخابات، از دلایل محکم دیگری است که مطرح می‌شود و برخی از کارشناسان و تحلیل‌گران سیاسی، آن را نشانه‌ای از کلید خوردن پروژه انقلاب مخملی در انتخابات دهم ارزیابی می‌کنند.

کسانی پشت صحنه این رنگ قرار دارند که در پیشینه و سوابق خود، طراحی و اجرای سناریوی کوی دانشگاه در ۱۸تیر و تحصن در مجلس ششم را داشته و معتقد به پیروزی اصلاحات از طریق جنبش اجتماعی و کشاندن هواداران به خیابان‌ها هستند. فراخوان عمومی از هواداران برای استفاده از رنگ سبز به صورت روسری، مانتو، کلاه، مچ‌بند، شال، تی شرت و گره زدن نوار سبز به آنتن و برف‌پاکن خودروها، اهدافی فراتر از ایجاد یک شور و نشاط انتخاباتی در جامعه و بین هواداران را دنبال می‌کند.

براساس برخی اخبار، دست‌اندرکاران ستاد دختران نسل فیروزه‌ای، با هزینه کردن چندین میلیارد تومان، به دنبال تهیه و توزیع دهها هزار مانتو بین هواداران زن می‌باشند. اگر این خبر صحیح باشد که تاکنون تکذیب نشده، آیا می‌توان گفت هزینه‌های میلیاردی اینگونه‌ای، صرفاً برای تبلیغات انتخاباتی است؟ یا اینکه از این ماتوهای سبز رنگ و تی شرت‌ها و پرچم‌ها، باید در صورت لزوم استفاده‌های دیگر کرد.

در مجموع افرادی که معتقدند عده‌ای در خیال خود به دنبال انقلاب رنگی در ایران هستند، با ذکر دلایل مورد اشاره می‌گویند بر اساس این سناریو، آقایان با تبلیغات سنگین و فضاسازی رسانه‌ای، خود را پیروز انتخابات معرفی کرده و با اعلام جشن پیروزی زود هنگام هواداران را هیجانی و ذوق‌زده کرده و در صورت پیروزی رقیب، موضوع تقلب در انتخابات را مطرح خواهند ساخت. این مسئله، دقیقاً همان سناریویی است که از سوی مخالفین دولت گرجستان که از سوی غربی‌ها حمایت می‌شدند، با استفاده از رنگ سرخ و در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۳ میلادی این کشور اجرا گردید و با کشاندن هواداران سرخ رنگ خود به خیابان‌ها و گسترش اعتراضات به نتیجه انتخابات و با حمایت‌های سنگین غربی‌ها، در نهایت دولت حاکم را وادار به عقب‌نشینی کرده و خود وارد قدرت شدند. بنابراین برخی معتقدند که افراطیون دوم خرداد چنین برنامه‌ای را برای انتخابات دهم ریاست جمهوری در سر می‌پروراند.

* آیا چنین برنامه‌ها و سناریوهایی در ایران جواب می‌دهد و به نتیجه می‌رسد؟
– هرگز، امکان ندارد.

* به چه دلیل انقلاب مخملی در ایران جواب نمی‌دهد؟

– به دلیل ساختار سیاسی و حقوقی کشور و همچنین هوشیاری مردم ایران که طی سی سال گذشته مردم هوشیاری سیاسی خود را به اثبات رسانده‌اند. در سی سال گذشته، توطئه‌های زیادی از سوی دشمنان خارجی طراحی و عملیاتی گشت، لکن مردم همه آنها را خنثی کرده و با شکست مواجه ساختند. در این سه دهه همچنین فتنه‌های داخلی زیادی به وجود آمد که همه آنها با هوشیاری مردم با شکست مواجه شد. عبدالرزق در درجات حضرت امام (ره) بیفزاید، هر گاه دشمنان توطئه‌ای می‌کردند و با هوشیاری ملت ایران شکست می‌خوردند، امام (ره) می‌فرمودند، شما مردم ما را نشناخته‌اید در ایران وجود رهبری به عنوان ولایت فقیه، مسیر حرکت ملت را مشخص می‌کند و مردم ایران تابع ولایت هستند و هر گاه ببینند حزبی یا گروهی که از آن هواری می‌کرده‌اند، راهی غیر از راه ولایت می‌رود، سریع حساب خودشان را از آن حزب یا گروه جدا می‌کنند. مردم ایران، مسلمان، مومن، انقلابی و وفادار به امام (ره) و شهدا هستند و از یک بصیرت سیاسی و هوشیاری بالایی برای مقابله و خنثی‌سازی توطئه‌ها و فتنه‌ها برخوردارند. چرا آمریکایی‌ها جرأت حمله نظامی به ایران ندارند؟ برای اینکه ملت ایران را چون کوهی با صلابت و استوار در برابر خودشان می‌بینند که با پیروی از ولایت حاضر به فداکاری و ایثار هستند و هر متجاوزی را با شکست مواجه خواهند ساخت.

مردم ایران در جنگ هشت ساله اثبات کردند که برای دفاع از اسلام، دفاع از قرآن، دفاع از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی تا کجا حاضر به هزینه کردن هستند. همین حضور آگاهانه مردم در صحنه‌های دفاع از انقلاب و ولایت، در برخورد با فتنه‌انگیزی‌های یک عده آشوب‌طلب را در تهران مشاهده کردند و متوجه شدند که عده‌ای به دنبال بی‌ثبات‌سازی کشور با اهداف شوم سیاسی هستند، با یک اشاره رهبری، آن حماسه ماندگار در ۲۳ تیر ۷۸ را خلق کردند و با حضوری هوشیارانه در صحنه، چشم فتنه را کور کردند. بنابراین من معتقدم، با هوشیاری مردم، هر حرکتی برای انقلاب مخملی در ایران در نطفه خفه خواهد شد. اگر احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران واقع بین باشند، اساساً نباید به سمت طراحی و اجرای چنین سناریوهایی قدم بردارند. همه باید رأی مردم را ببینند و به رأی مردم احترام بگذارند. مردم ایران مسلمان هستند و اسلام را می‌خواهند و خط امام و رهبری در همان اسلام ناب محمدی (ص) دانسته و هرگز از این مسیر فاصله نخواهند گرفت.